

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۸

بررسی چالش های حقوقی و نهادی نظارت همگانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر ظرفیت های نهادی امر به معروف و نهی از منکر)

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

موسسه اخوان فرد و همکار
بررسی چالش های حقوقی و نهادی نظارت همگانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

مسعود اخوان فرد^{۱*}

ابوطالب اصغری جیره‌نده^۲

۱. استادیار دانشگاه آزاد واحد شمال تهران، تهران، تهران، ایران.
۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی و مدرس دانشگاه، تهران، تهران، ایران.

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی ظرفیت های قانونی و نهادی نظارت همگانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و چالش های موجود در جهت نظام سازی و اجرایی کردن آن است. اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را در میان مردم و به شکل متقابل میان مردم و دولت به عنوان یک وظیفه همگانی در جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته و مبنای این حکم را نیز دستور صریح قرآن کریم می داند. اطلاعات تحقیق به روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. در این مقاله، ضمن معرفی روش های مختلف نظارت همگانی اعم از نظارت مردم بر دولت، دولت بر مردم و مردم بر مردم به شیوه های اجرایی آن نیز توجه خواهد شد. با گذشت بیش از ۳۶ سال از تصویب اصل هشتم قانون اساسی در راستای نهادینه و اجرایی شدن آن هنوز قانون عادی تصویب نشده است. بررسی ها نشان می دهد که قانون حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر مورد تصویب قرار گرفته و علاوه بر ابلاغ به دولت هنوز اجرایی نگردیده است لذا خلاء نهادی قوی و مقتدر و قانونی که بتواند نقش نهاد نظارت همگانی را ایفاء نماید و هماهنگی های لازمه را در بین قوای سه گانه و سایر ارکان های متولی اجرای امر به معروف و نهی از منکر بوجود آورد، هم اکنون کاملاً محسوس است. ضمن اینکه در نظام حقوقی جدید قوای سه گانه و نهاد رهبری می تواند به عنوان سازو کار نظارت همگانی مورد استناد و استفاده قرار گیرند. همچنین چالش هایی دیگری مانند: رفتارها و برخوردهای سلیقه ای برخی شهروندان، و عدم استفاده از ظرفیت های نهادهای مدنی و احزاب و افکار عمومی و عدم احصای وظائف آنان با توجه به دامنه موضوع، عدم نهادینه شدن برخی از اخلاقیات سبب شده که شهروندان رغبت چندانی به این امر نشان ندهند. **واژگان کلیدی:** امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی، اصل هشتم، شهروند، نظام حقوقی.

Email: mfordiaw@yahoo.com

* ایمیل نویسنده:

مقدمه

نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر بزرگترین محور دین و مسئله مهمی است که برای آن خداوند تمام پیامبران را برانگیخت. چنانکه اگر بساط امر به معروف و نهی از منکر برچیده و از نظر عملی و علمی مجمل گذارده شده بود، نبوت بیهوده می‌گشت و دیانت نابود می‌شد، بدون تردید بازسازی و تعالی شخصیت معنوی آدمی، هدف اصلی همه رسولان الهی بوده است. در قاموس مصلحان آسمانی برای علومی که بدون واسطه در خدمت این آرمان مقدس نباشد، کارکردی ابزاری تصویر شده است. هر پژوهشگر حقیقت‌جو با اندک کنکاشی در منابع اولیه اسلام، معنویت‌سالاری و اخلاق محوری را در تار و پود تعالیم آن آشکارا نظاره خواهد کرد. با نگرشی به سوره مبارکه والعصر می‌فهمیم که: برخلاف گمان انسان که خیال می‌کند هر روز به عمرش افزوده می‌شود، از سرمایه او کاسته می‌شود، به زمان سوگند که انسان در حال خسران است (والعصر انّ الانسان لفی خسر) پس باید سعی کنیم در مقابل هدر رفتن عمر سرمایه‌ای بهتر بدست آوریم و یقیناً آنچه بهتر از عمر ماست، ایمان و عمل صالح است (الا الذین امنو و عملوا الصالحات). ایمان و اعمال خوب ما در صورتی ارزش خواهد داشت که توسعه پیدا کند و اینکار جز با توصیه و دعوت دیگران به ایمان و عمل صالح میسر نمی‌باشد (و تواصو بالحق). البته پیمودن این راه مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت، یعنی اگر بخواهیم مردم را به خیر و معروف دعوت کنیم و از انحرافات که دارند نهی کنیم احتمالاً با برخوردهای ناگوار آنان روبرو می‌شویم، ولی در هر صورت باید با پشتکار و صبر در این مسیر گام برداریم (و تواصو بالصبر). براین اساس بنظر میرسد که در اولین قدم باید موضوع نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) لباس قانون به تن کند تا از این رهگذر جنبه حقوقی پیدا نموده و علاوه بر ضمانت اجرای اخروی، ضمانت اجرای حقوقی نیز پیدا کند و ابعاد فردی و اجتماعی آن از ابهام خارج، و سپس در فکر اجرایی کردن آن شد. اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را در میان مردم و به شکل متقابل میان مردم و دولت به عنوان یک وظیفه همگانی در جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته و مبنای این حکم را نیز دستور صریح قرآن کریم می‌داند. نظارت افراد جامعه نسبت به دولت از این جهت واجد اهمیت است که بعد از انتخاب دولت توسط شهروندان، حق آنان در مورد نظارت بر دولت محفوظ بوده، و در هنگام تخلف از مسیر حق، تذکرات لازم را یادآوری نمایند و این خود سبب محدود سازی شرایط سوء استفاده توسط مقامات دولتی را فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه نظارت مردم نسبت به یکدیگر

نیز در این اصل مورد تصریح قرار گرفته و از آنجا که مردم اختیار نظارت و تصمیم سازی را به دولت به عنوان نماینده خود تفویض کرده اند، ولی مشغله های فراوان دولت مانع از نظارت تمام و کمال شده و ترجیح دین بر این است که دولت در نظارت، از مساعدت افرادی که خود این اختیار را به او تفویض کرده اند بهره جوید. شهروندان سرمایه اجتماعی ارزشمندی هستند که همراهی، همکاری، مشارکت و همدلی آنان در همه زمینه ها می تواند گره مشکلات پیش روی مسئولان و نهادهای مختلف کشور را بگشاید و راه صحیح و درست به سامان رساندن مأموریتها، تکالیف و وظایف را به آنها نشان دهند و مانع از وقوع کج رویها، کژکارکردیها و انحرافات در قلمرو فعالیت کارکنان دولت شود که برای تحقق این مهم نظام سازی و نهادینه کردن موضوع دارای اهمیت بسزایی می باشد بطوریکه مقام معظم رهبری در این خصوص اعتقاد دارند، یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه سازی بشود، هم بایستی نهادسازی بشود^۱.

لذا فراهم نمودن ساز و کارهای متناسب برای پذیرش نظارت همگانی در جامعه، حمایت های قانونی لازمه این امر است. براین اساس نگارندگان با استفاده از مطالعات صورت گرفته از منابع کتابخانه ای و به روش تحلیلی و توصیفی در صدد پاسخ به این سوال است که نظارت همگانی مندرج در اصل هشتم قانون اساسی که امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همگانی دانسته در تضمین حقوق مردم و پیشگیری از تخلفات و نحوه نظارت بر امور دولت (حاکمیت) تا چه حد موثر واقع شده و نیازمند به چه ساز و کار و مکانیزمی در سطح اجرایی جامعه می باشد؟

۱- تعریف مفاهیم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱-۱- امر: برای کلمه امر دو معنی ذکر شده است

الف) امر: شان و کار و جمعش امور است. امر لفظی است عام برای همه افعال و اقوال در این معنی سخن خدای تعالی است که (الیه یرجع الامر کُلّه)^۲ هم چنین ابداع و سرآغاز کار آفرینش را امر گفته اند.

ب) امر به معنای دستور و فرمان که در این معنا جمع آن اوامر می باشد (قریشی، ۱۱۰، ۱۳۷۱)
مانند «یا اقم الصلوه و امر بالمعروف» پسر نماز را به پای دار و امر به معروف کن^۳.

۲-۱- معروف :

معنای لغوی آن از ماده «عرف» به معنای شناخته شده می باشد. راغب اصفهانی در این رابطه می نویسد: «المعروف اسم لکل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه» معروف در اصطلاح اسم است برای هر کاری که حُسنش بوسیله عقل و شرع شناخته شده باشد. هر فعلی که خوبی آن بوسیله عقل و یا شرع شناخته شود را معروف گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۹۰).

۳-۱- نهی :

نهی به معنای طلب ترک فعل، بازداشتن و منع کردن چیزی می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۹۰) مانند... ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر... همانا نماز (اهل نماز) را از هر کار زشت و منکر بازمی دارد^۴. البته این معنای مصدری «نهی» است ولی در معنای امری (امر منفی) دستور منع از چیزی است مثل «مروا بالمعروف و ان لم تفعلوه وانها عن المنکر وان تجتنبوه کله» امر به معروف کنید و گرچه خودتان نکنید و نهی از منکر کنید گرچه از همه آنها اجتناب نکنید (کریمیان، ۱۳۷۹، ۶۶).

۴-۱- منکر:

منکر به معنای ناشناس از ماده انکار است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ۳۷). راغب اصفهانی معنای منکر را اینگونه بیان نموده است: «والمُنکرُ کل فعل تحکم العقول الصّحیحه بقبحه او تتوقف فی استقباحه و استحسانه العقول فتحکم بقبحه الشریعه. هر عملی را که عقلهای سالم به زشتی و قبح آن حکم کند منکر نامیده می شود یا اگر عقل نداند آن کار خوب است یا بد ولی دین به ناپسندی آن حکم کند آن نیز منکر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۹۰).

۵-۱- امر به معروف و نهی از منکر :

«امر به معروف» عبارت از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و کسب صفاتی است که سعادت دنیا و آخرت فرد را تأمین و تضمین می کند؛ مانند ایمان، تفکر، تقوا، احسان، خوش خلقی، نیکوکاری، عبادات، نظم در امور، کار کردن، دفاع از ناموس و خاک و جان، تحصیل علم و کمالات روحی و روانی و جسمی و نظایر آنها و «نهی از منکر» نیز عبارت از بازداشتن و نهی دیگران از انجام افعال یا داشتن صفاتی است که از جانب خداوند، عقل و شرع زشتی آنها معلوم شده است؛ مانند شرک، نفاق، دنیامداری،

غفلت، جهالت، فسق و فجور، ظلم، عهدشکنی، بی‌تقوایی، بی‌نظمی، بی‌کاری، بی‌حیایی، بی‌سوادی، و نظایر آنها (بسیج، <http://marifat.nashriyat.ir>) در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که توسط نمایندگان مجلس تصویب شده است از معروف و منکر اینگونه تعریف شده است که معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد. در احکام حکومتی، نظر مقام ولی فقیه ملاک عمل خواهد بود.^۵

۱-۶- نظارت همگانی :

یکی از افتخارات دین اسلام، «نظارت همگانی» است؛ راهکار زیبایی که همه مردم بدون آنکه به حریم خصوصی یکدیگر وارد شوند، باید نسبت به رفتار هم حساس باشند. نظارت در اصطلاح عبارت است از بکارگیری مکانیزم و سازوکاری که براساس آن بتوان میزان مطابقت یا عدم مطابقت عملکرد اشخاص را با قوانین و مقررات اندازه‌گیری نمود. همگانی نیز به معنای مربوط یا متعلق به عموم مردم یا عمومی است؛ نظارت همگانی مراقبت و مشاهده‌ای است که توسط همه مردم و برای تحقق ارزشهای متعالی در جامعه اسلامی بر اساس قانون اعمال می‌شود. این نظارت توسط مردم و دولت نسبت به یکدیگر انجام می‌شود. موضوع نظارت معروف و منکر اعمالی است. که مطابق احکام شرع و قانون باشد معروف و در صورت مخالفت با احکام شرع و قانون منکر نام دارد. هدف نظارت همگانی انجام معروف و مبارزه با منکر به منظور پاکی و سلامت جامعه است (صفری، www2.bums.ac.ir) و همچنین نظارت سبب پیشگیری و درمان فساد اداری در سه عرصه، رفتار، مالی و حقوقی میشود (خورشیدی ۱۳۸۷، ۱۸۳). نظارت یک مفهوم مضاف است که همیشه باید در پی مضاف‌الیه یا متعلق آن بود و از آنجا که متعلق نظارت اقداماتی است که از سوی نهادهای حکومتی اعمال می‌شود، در نظام‌های حقوقی مدرن می‌توانیم از قوای مقننه، مجریه و قضائیه به‌عنوان متعلقات نظارت نام ببریم. (راسخ، ۱۳۹۰، ۱۵)

۱-۷- نظام سازی:

منظور از نظام‌سازی عبارت است از نهادینه کردن و نظم و نسق بخشیدن به رفتار شهروندان در موضوع نظارت همگانی با ارائه الگوها و مدل‌های قابل اجرا با تصویب قوانین و مقررات. در این خصوص رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقد است: یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس

تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود، هم بایستی نهادسازی بشود^{۱۴}.

۲- مبانی نظری نظارت همگانی:

در این قسمت، به مبانی عقلی نظارت همگانی، اشاره خواهد شد. طی ده قرن گذشته پیوسته این سؤال مطرح بوده است که آیا می‌توان نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر را به مبانی استوار عقلی مستند ساخت به گونه‌ای که با صرف نظر از همه ادله‌ای که از طریق وحی در کتاب و سنت آمده است، قابل اثبات باشد؟ عده‌ای از فقها و متکلمین، به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند و بزرگانی مانند سید مرتضی (علم الهدی، ۵۵۳، ۱۳۷۰) ابی‌الصلاح حلبی (حلبی، ۲۴۶، ۱۳۸۷) خواجه‌نصیرالدین طوسی (طوسی، ۴۲۸، ۱۳۷۴) و صاحب جواهر (نجفی، ۳۵۸، ۱۳۷۲) از اثبات عقلانی آن اظهار عجز کرده‌اند. در مقابل آنان، شیخ طوسی (شیخ طوسی، ۱۴۷، ۱۳۸۲) علامه حلی (حلی، ۴۸۳، ۱۳۷۶) شهید ثانی (عاملی، ۲۲۴، ۱۳۸۴) کاشف الغطاء (الجناحی، ۴۱۹، ۱۳۷۴) شیخ انصاری (انصاری، ۱۸، ۱۳۶۹) و بالاخره امام خمینی (خمینی، ۲۰۴، ۱۳۶۸) تلاش کرده‌اند تا با کاوشهای عقلی، ضرورت و لزوم آن را به اثبات رسانند. برخی محققان اساساً این اختلاف علمی را بیهوده تلقی کرده و بررسی در این زمینه را بی‌ثمر دانسته‌اند چرا که با وجود ادله متقن و معتبر نقلی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر که در کتاب و سنت آمده و مورد قبول همه فرق اسلامی قرار دارد، بحث از نبود دلیل عقلی، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت و همچنان که نفی آن، ضرری به اصل مسأله نمی‌زند، اثبات آن نیز عملاً سودی به دنبال ندارد و به هر حال وظیفه ما روشن است (اردبیلی، ۵۳۰، ۱۳۸۳) این قضاوت، هر چند نسبت به اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر، قابل قبول است، ولی از آن رو که با نفی دلیل عقلی، مسأله صرفاً جنبه تعبدی به خود می‌گیرد، و با اثبات آن از یک حکم تعبدی صرف خارج شده، تابع ملاک عقلانی آن می‌گردد و در نتیجه ادله نقلی جنبه ارشادی پیدا می‌کند، کاملاً حایز اهمیت است و البته این تفاوت مبنایی آثار خود را در فروع مسأله نشان می‌دهد.

۳- نظارت همگانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اعتقاد بر حکومت حق و عدل و قرآن می‌باشد اعتقاد به این حکومت مقدمه اجرای دستورات و احکام اسلام است تا از این

طریق بتوان به جامعه سالم و نمونه، که در آن قسط، عدل، استقلال و همبستگی ملی تأمین شده باشد، دست یافت. برای نیل به این مقصود، دولت موظف است همه امکانات خود را بر ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به کار بندد. نظارت همگانی اهرم بسیار قدرتمندی است که از طریق بسیج همگانی و مستمر دولت و شهروندان، می‌تواند زمینه‌ساز رشد فضایل و طرد مفاسد باشد. براین اساس قانون اساسی، با درک مراتب این عنصر سازنده اسلامی، برای تأسیس نهاد نظارت و مراقبت همگانی، اصل هشتم را مقرر داشته است.^۷ تاملی بر متن و اصول قانون اساسی این نکته را تقویت میکند که تنظیم کنندگان این سند سیاسی و حقوقی به روشنی حق موضوع را ادا نموده و تلاش کرده‌اند تا همه ضرورتها و نیازهای توجه به حضور شهروندان را در صحنه نظارت همگانی فراهم نمایند و حاکمیت را نیز موظف به تنظیم قوانین خاص و عادی برای این مهم نموده است. در اصول مختلف قانون اساسی سازوکارهای مختلفی برای نظارت همگانی و اعمال خواست شهروندان پیش بینی شده است.^۸ نکته ایی که در این خصوص باید مطرح کرد این است که اصل هشتم قانون اساسی نظارت همگانی را فقط حق شهروندان نمی‌داند بلکه علاوه بر حق وظیفه و تکلیف هم بر آنها بار است تا با استفاده از این حق و تکلیف علاوه بر راهنمایی، توصیه و دعوت به خیر، دولت منتخب خویش را امر و نهی کنند بنابراین نظارت همگانی تکلیفی است که نمی‌شود به آسانی از اجرای آن چشم‌پوشی کرد. همچنین یک طرفه نبودن نظارت و چند سو بودن آن از دیگر مزایا و امتیازات قانون اساسی است بطوریکه شهروندان علاوه بر ناظر بودن در مقاطعی نظارت شونده محسوب میگردند و جای ناظر با نظارت شونده عوض میگردد.

۳-۱- نظارت همگانی از دیدگاه تدوین کنندگان قانون اساسی:

متن اولیه قانون اساسی که پیش نویس آن توسط دولت موقت تنظیم شد به پیشنهاد مجلس خبرگان اصل هشتم را به امر به معروف و نهی از منکر اختصاص داد. متن اولیه اصل مذکور به این شرح بود: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برای مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم - مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. والمؤمنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یاأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» این متن پس از بیان نقد و نظر به تصویب نهایی رسید.

۳-۲- مبنای طرح موضوع امر به معروف ونهی از منکر در قانون اساسی:

در مذاکرات اعضای خبرگان جهت تصویب این اصل آنچه که به چشم می آید تاکید بر جنبه کاملاً شرعی آن است به طوری که نسبت به محول نمودن تعیین شرایط، حدود و کیفیت آن به قانونگذار عادی انتقادات فراوانی صورت گرفت. از طرف دیگر، الحاق ماده ۱۷ سوره مبارکه توبه به انتهای اصل مذکور، مفید این معنا بوده و هست که تاکید قرآن کریم و سایر منابع فقهی و حقوق اسلامی این امکان را فراهم کرد تا نهاد امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی نظامی که مبتکر طرح و تحقیق حکومت اسلامی است، پیش بینی و تایید گردد. شایان ذکر است که برخی از اعضا پیشنهاد کردند که آیه مذکور تناسبی با همگانی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارد و از این رو بهتر است آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران به جای آن بیاید.

۳-۳- جزئیات امر به معروف ونهی از منکر:

در انتهای اصل هشتم در خصوص نحوه تبیین جزئیات اجرای امر به معروف ونهی از منکر آمده است: «شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.» البته این عبارت، خاص اصل هشتم نیست بلکه درست قبل از طرح و بررسی پیش نویس اصل هشتم در مجلس خبرگان، همین عبارت در مورد شوراها به تصویب رسید.

۳-۴- مقدم داشتن نظارت مردم بر دولت و دولت بر مردم:

به نظر میرسد نظارت شهروندان نسبت به همدیگر از بحث برانگیزترین موضوعات در اصل هشتم باشد و امکان چالشی کردن موضوع وجود دارد. اگر چه در خصوص نظارت گسترده مردم بر دولت و نظارت محدود دولت بر مردم، شکی نیست اما در نظارت مردم بر مردم، ابهام و تردیدها بسیار است. از ملاحظه فضای بررسی این مقوله در مجلس خبرگان چنین استنباط می شود که نظارت چالش انگیز اخیر، چندان در اولویت نظر آنان نبوده است. آن چنان که نائب رئیس مجلس خبرگان در توجیه اصل هشتم، صرفاً به نظارت دولت بر همه مردم و مردم در رابطه با کارهای دولت اشاره می کند^۹.

۳-۵- انواع نظارت مندرج در اصل هشتم قانون اساسی:

هر چند نظارت همگانی با در نظر گرفتن شرایط و مراتب آن از لحاظ شرعی همچنان که گذشت، واجب کفایی است ولی لزوم قانونمندی آن به جهاتی خالی از فایده نیست. یکی از جهات، جلوگیری از هرج و مرج به بهانه اجرای این فرضیه الهی از سوی مغرضان یا ناآگاهان و دیگری ایجاد تکلیف قانونی برای سهل انگاران است. در اصل

هشتم قانون اساسی^۱ به میراث ارزنده ای اشاره شده که دین مبین اسلام برای مسلمین به ارمغان گذاشته است. زیرا جامعه ی متمدن و ایده آل اسلامی، جامعه ای است که با اجرای نظارت همگانی توسط تک تک افراد جامعه، عاری از انواع انحرافات خواهد شد. چنین تکلیفی، جدای از پست و مقام و موقعیت سیاسی - اجتماعی افراد است. یعنی در صورت مشاهده انجام منکر از جانب هر فردی، ولو اینکه یک مقام عالی رتبه سیاسی یا نظامی یا ... باشد، فرد عادی می تواند با تحقق شرایطی، مانع او شود و او را وادار به ترک آن عمل نماید. با اجرای این اصل بنیادین می توان ادعا نمود که هر جامعه ای بر اساس مکتب ارزشمند اسلام بنیان نهاده شود، فساد و انحراف و تعدی از تمامی سطوح مختلف آن جامعه زائل می شود و عناصر فساد و مفسد از محیط سالم اجتماع، طرد گشته و زمینه برای رشد و تعالی عناصر سالم، مهیا می گردد. تحقق این امر، تأثیر چشمگیری در پیکره و بافت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و به طور کلی مادی و معنوی جامعه اسلامی خواهد گذاشت. به عبارت دیگر، تنها عامل تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی مسلمین با یکدیگر، همین فریضه الهی است که نقش بسیار سازنده ای را در سیاست داخلی کشور اسلامی ایفاء می کند. اصل هشتم قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران، در واقع نظارت همگانی را به عنوان یک وظیفه متقابل بر عهده تمام اعضاء جامعه قرار داده است که مکانیزم بسیار قدرتمندی است، که از طریق بسیج همگانی و مستمر دولت و ملت می تواند زمینه ساز رشد فضایل و طرد مفاسد باشد. این نهاد از آن جهت که نیاز به یک ساختار عریض و طویل اداری و رعایت بروکراسی ندارد و هر کس در هر جایگاهی می تواند این حق را اعمال نماید دارای اثرات زود بازده و به عنوان اهرم نظارتی حساس میتواند مانع از بروز ظلم و استبداد شده و در نهایت به عنوان نهادی عمل نماید که از سازوکارهای تضمین حقوق شهروندان قرار گیرد (اصغری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۲۴). براین اساس انواع نظارت مندرج در اصل هشتم قانون اساسی عبارت است از:

۳-۵-۱- نظارت شهروندان بر دولت.

در نظام اسلامی، مسئولیت افراد از مسئولیت دولت جدا نیست. اگر دولت ها، جامعه را اداره می کنند، مردم نیز عضو ذینفع همان جامعه هستند و نتیجه خوب و بد اعمال و رفتار دولتمردان، مستقیماً متوجه آنان می شود. بنابراین به حکم عقل، این حق و تکلیف برای همه افراد ایجاد می شود که بر کار زمامداران خود، نظارت نمایند تا از انحراف آنان از مسیر حق و عدالت و تقوی جلوگیری کنند. هر چند که در نظام سیاسی، تقوی و عدالت و التزام عملی به موازین اسلامی، لازمه زمامداری است، اما برای نظارت بر اعمال

زاممداران، دلایل ذیل ارائه شده است:

الف) زمامداران و رهبران جامعه و نمایندگان آنها (به جز معصومین (ع)) از آن جهت که معصوم نیستند، احتمال خطا از طرف آنها دور از ذهن نیست. پس منفعت عموم اقتضا می کند که مردم بر کار آنان نظارت نمایند و موارد انحراف را به نحو مقتضی متذکر شوند. ب) بر فرض آنکه مقامات و زمامداران از آن چنان تقوایی برخوردار بوده که هیچ گناه و انحرافی متوجه آنان نگردد، اما ممکن است، بر اثر عدم آگاهی و یا ارتکاب اشتباه، اعمال حکومتی موجب تضرر به جامعه شود. در این صورت نیز تذکرات مردمی و نظارت عمومی می تواند از بروز مشکلات ناشی از اشتباهات جلوگیری نماید.

ج) بر فرض عدم انحراف و یا اشتباه، امکان نظارت از طریق حضور مستمر مردم در صحنه سیاسی سبب ایجاد دلگرمی و موجب استحکام پایه های حکومت و تسهیل در اجرای عدالت خواهد شد. (هاشمی، ۲۲۷-۲۲۶، ۱۳۷۸) دلایل مذکور مجموعاً ضرورت نظارت همگانی بر کار زمامداران را به خوبی نمایان می سازد. قانون اساسی نیز با توجه به اهمیت دخالت مردم در امور کشور، حقیق بنیادی متعددی را برای ملت قائل شده است که می تواند به عنوان اهرم نظارت همگانی مورد استفاده قرار گیرد.

اصل هشتم قانون اساسی، ناظر بر حق بنیادی و الهی مردم نسبت به یکدیگر در امر و نهی به منظور برپایی جامعه سالم و دور از فساد و تباهی و ظلم است. بی شک داشتن جامعه ایی سالم و عاری از تظلمات فردی و اجتماعی ضرورت این نظارت را دوچندان می کند اما در جامعه اسلامی با وجود ولایت مطلقه فقیه، هرگاه امر به معروف و نهی از منکر مستلزم ضرب و شتم و بالاتر از آن باشد، اجرای این موضوع بر عهده حاکم قرار می گیرد. در واقع، مرتبه انکار قلبی و زبانی وظیفه همگانی است، اما مرتبه اقدام عملی با حکومت است. این مسئله در فقه نیز مورد توجه می باشد. مقام معظم رهبری در پاسخ به یک استفتاء می فرمایند: با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر به مرتکب شونده می باشد، یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند. بنابراین، بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اکتفا کند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسئله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند که ماده ۴ قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر نیز موید این نظر می باشد^{۱۱}. به نظر می رسد که نظارت مردم بر مردم از موضوعات چالشی اصل هشتم باشد زیرا ترسیم ساختار و تشکیلاتی که بتواند این بخش را پوشش دهد دشوار و تعیین وظیفه اختیاری خواهد بود و نمی توان به آن ضمانت اجرا بخشید

براین اساس نایب رئیس مجلس خبرگان در توجیه اصل هشتم قانون اساسی صرفاً به نظارت دولت بر همه مردم و مردم در رابطه با کارهای دولت اشاره می‌کند (تیلا، ۱۳۸۹، ۶۰). بنا به مراتب شیوه‌های زیر به عنوان شیوهایی که شهروندان با استفاده از آنها می‌توانند نسبت به هیات حاکمه نظرات کنند قابل پیش بینی است:

۳-۵-۱-۱- مطبوعات و رسانه‌های گروهی:

مطبوعات و رسانه‌های گروهی، یکی از وسائل مؤثر نظارت بر امور عمومی و حکومتی به شمار می‌رود. شهروندان باید آنچه را که درک می‌کنند و به آن اعتقاد دارند، بیان نمایند و دیگران را در جریان افکار خود قرار دهند. در ارتباط با این امر، اصل بیست و چهارم قانون اساسی می‌گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آنرا قانون معین میکند.» به این ترتیب اولاً: قانون اساسی، آزادی بیان و مطبوعات را پذیرفته و آن را تصریح کرده است. ثانیاً: این آزادی به طور مطلق و نامحدود و بدون قید و بند نیست و محدود به دوحد مبانی اسلام و حقوق عمومی است که کیفیت و تفصیل آن را قوانین عادی معین می‌کنند. «آزادی بیان و مطبوعات باعث می‌شود که هیأت حاکمه، از تمایلات و خواسته‌های مختلف مردم آگاهی پیدا نمایند و درصدد اصلاح اقدامات خود برآید. بیان نقطه ضعف‌ها، خطاها و اشتباهات و یا سوء استفاده‌های تحقق یافته، موجب می‌گردد، افراد صلاحیتدار در پست‌های کلیدی قرار گیرند. در نتیجه، آزادی بیان و قلم جامعه، رشد پیدا می‌کند، کارها بهتر انجام می‌شود و استعدادها شکوفا می‌گردد. اگر مطبوعات کارشان تنها به تقدیر و تبریک و تشکر به متصدیان امور اختصاص یابد و مورد سانسور قرار گیرند و یا دچار خودسانسوری گردند، اجتماع از حرکت پویانده باز می‌ماند و کارهای انجام نشده و غیر صحیح، موفقیت به حساب می‌آیند و در این صورت، فساد و تباهی جامعه را فرا می‌گیرد»^{۱۲}. مطبوعات و رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) به دلیل دارا بودن مخاطبین زیاد و سرعت انتقال مطالب، نقش بسیار مهمی را در بالا بردن آگاهی‌های عمومی ایفا می‌کنند. تضمین آزادی‌های بیان و قلم در حدود قانون، جامعه را به سوی رشد فکری و تعالی معنوی سوق می‌دهد و این امر میسر نخواهد بود، مگر اینکه مطبوعات و رسانه‌های گروهی از قید سانسور آزاد باشند.

۳-۵-۱-۲- احزاب و تشکیلات سیاسی:

گرچه حزب، همیشه به صورت های مختلفی نظیر گروه، فرقه، انجمن، جمعیت و ... وجود داشته است، اما به معنا و مفهومی که اکنون در قوانین اساسی کشورها به عنوان احزاب سیاسی شناخته شده، منشأ آن مربوط به نهضت های آزادی خواهانه ی قرن هجدهم است. وجود احزاب سیاسی فعال در صحنه اجتماع نشانگر وجود دموکراسی در کشور است. زیرا گروهی از مردم با آزادی کامل و با هدفی مشترک به تشکیل حزب پرداخته اند. این حزب است که در بعضی از کشورها به صورت یک شخصیت حقوقی مؤثر، در مقابل حکومت قدرت نمایی می کند و یا در رأس حکومت قرار گرفته و پست های کلیدی را در اختیار افراد خود قرار می دهد. به عبارت دیگر، از جمله حقوق اساسی هر جامعه، برخورداری از آزادی اجتماعات است که از موارد مهم حقوق و آزادی های فردی در قرن حاضر است و با وجود چنین حقی، حرکت متفکرانه جامعه علیه سلطه و اقتدار فزاینده قدرت حاکمه به وقوع می پیوندد. اگر ملتی بخواهد بر اعمال هیأت حاکمه، نظارت تام و صحیح داشته باشد و قیود و موانعی را که وجود دارد، از میان بردارد، باید کمبودها و نارسائی های موجود را بررسی نماید و مشترکاً اقدام عملی لازم را تنظیم نموده و به مرحله اجرا در آورد و آزادانه از دولت و حکومت به گونه ای صحیح و عقلانی انتقاد نماید. نظارت مردم از این طریق موجب ارتقاء سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در تمام سطوح می گردد. در این خصوص اصل بیست و ششم قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۱۳}، تشکیل احزاب و انجمن های سیاسی و عضویت در آنها را به شرط آنکه اصول اقتصادی، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران را نقض نکند، به رسمیت شناخته است. در این اصل بار دیگر شاهد عباراتی کلی مانند « موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی » هستیم که می توان تفسیر موسعی از آن کرد. به نظر می رسد که تمامی جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور از مصادیق مضر به اساس جمهوری اسلامی تلقی می گردند. با توجه به اینکه نقض هر یک از اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و .. از جرائم سیاسی به شمار می آیند، مرتکبین آنها را باید در دادگاه و با حضور هیأت منصفه محاکمه نمود^{۱۴}.

۳-۵-۱-۳- اجتماعات و راهپیمایی‌ها:

اجتماعات و راهپیمایی از موارد بسیار مهم حقوق و آزادی‌های فردی است که بر اساس آن، مردم برای بیان مطالب و عنوان کردن مشکلات مشترک خود گرد هم می‌آیند و در میداين و خیابانها به تظاهرات و سخنرانی و راهپیمایی می‌پردازند تا بدین وسیله هیأت حاکمه را متوجه مسائل و مشکلات خود بنمایند و افکار عمومی را نسبت به موضوع حساس کنند. اجتماعات و راهپیمایی از مظاهر بارز دموکراسی است که به وسیله آن مردم مستقیماً وارد صحنه شده و به عنوان تأیید یا اعتراض متجلی می‌شوند. آزادی اجتماعات و راهپیمایی دارای این فایده است که مسائل مردم مستقیماً توسط خود آنها عنوان می‌شود و دولت با در نظر گرفتن این مسائل و مشکلات، وظایف خود را در جهت نیازمندی‌های همگانی تنظیم می‌نماید. از طرفی این آزادی، قدرتی علیه گرایش دولت به سوی استبداد و خودکامگی به شمار می‌رود و بدین وسیله، سلامت هیأت حاکمه بیشتر تضمین می‌گردد. گاهی اوقات فشار و اختناق به حدی است که اجتماعات و راهپیمایی غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسد و گاهی منجر به خشونت‌هایی می‌شود. اصل ۳۵ قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۲ فرانسه صراحت دارد: «هنگامیکه حکومت، حقوق مردم را پایمال کند، شورش از سوی همه یا بخشی از مردم، از مقدس‌ترین حقوق و لازم‌ترین تکالیف است». بیم از چنین تظاهرات و اجتماعاتی، دولت را مصمم می‌سازد که با اتخاذ تصمیماتی نظیر اجازه قبلی از مراجع انتظامی، آن را نیز نظارت و کنترل خود قرار دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و هفتم مقرر داشته است: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». نهایتاً چنین اجتماعاتی بایستی در جهت اصلاح جامعه و رشد صحیح افکار عمومی باشد و لذا قانون اساسی، این آزادی را مشروط به اموری کرده است که عبارتند از:

الف) در اجتماعات، حمل سلاح اعم از گرم و سرد و هر چیزی که موجب تهدید جامعه باشد، ممنوع است.

ب) در کشوری که اکثریت قریب به اتفاق آنرا پیروان مکتب اسلام تشکیل می‌دهد، طبیعی است از اعمالی که مخل به مبانی اسلام و بینش و اعتقادات مردم است، جلوگیری شده و از هر گونه اجتماع و اظهار نظری که به این مبانی خلل وارد می‌آورد، ممانعت به عمل آید^{۱۵}. بنابراین می‌توان اجتماعات و راهپیمایی‌های مردم را که قانون اساسی در بخش حقوق ملت مقرر داشته، از باب نظارت همگانی به عنوان یک وظیفه‌ی همگانی

شرعی تلقی نمود. از طریق این حق اجتماعی و تکلیف شرعی می توان به صورت ابزاری مهارکننده در جهت ترویج معروفات و زائل نمودن منکرات خصوصاً منکرات دولتی استفاده نمود و خواسته ها و تمایلات دینی و ملی را بدین صورت بیان کرد.

۳-۵-۲- نظارت هیئت حاکمه بر شهروندان:

دولت اسلامی باید بر مبنای این اصل با عامه مردم ارتباط تنگاتنگ داشته باشد و به عنوان یک تشکیلات قانونی متعلق به جامعه، افراد منحرف و فاسد را ارشاد نماید و از اشاعه منکرات بکاهد و در یک سطح وسیع تر با برنامه ریزی و مدیریت صحیح و منظم، زمینه رشد و توسعه معروف را مهیا و زمینه ارتکاب منکرات را نابود سازد. قوای سه گانه در جمهوری اسلامی ایران که زیر نظر ولایت فقیه قرار دارند^{۱۶}، در راستای وظایفشان، مسئول حفظ و تأمین نظم و امنیت و مراقبت در امور اقتصادی، اجتماعی و ... مردم هستند و اصولاً به همین منظور، نهادها و سازمان های مختلف جامعه، سازماندهی می شوند تا نظارتهای لازمه را انجام دهند براین اساس شیوه ای اجرایی این نوع نظارت به شرح ذیل است.

۳-۵-۲-۱- نظارت از طریق رهبر:

تأسیس نهاد رهبری در جامعه بدان معنا است که مجاری امور در دست فقیه واجد شرایط قرار گیرد و بدین طریق، احکام اسلامی در کلیه ی امور و شئون جامعه به اجرا در آید. در انجام چنین نظارتی، رهبر می تواند از شخصیت روحانی خویش بهره گرفته و مردم را دعوت به خیر نماید^{۱۷} که در این راستا می توان به وعظ و سخنرانی این مقام در مواقع مختلف، مخصوصاً در مراسم عبادی - سیاسی نماز جمعه اشاره نمود. همچنین ممکن است پاره ای از عبادات و فرائض به صلاح جامعه ی اسلامی نباشد که در این صورت رهبر می تواند از انجام آنها توسط مردم جلوگیری نماید. در نامه امام خمینی (ره) آمده است: « حکومت می تواند از حج که از فرائض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی است، جلوگیری کند.»^{۱۸} مصادیق فوق و موارد دیگری از این قبیل را می توان جلوه ی گویایی از نظارت همگانی دانست که مقام رهبری خواستار اجرای آنها از طرف مردم می شود. رهبری جامعه از طریق فقیه جامع شرایطی که بر تمام امور جامعه نظارت دارد، عامل مؤثری در پیشرفت جامعه از نظر مادی و معنوی است و موانعی که در این راه وجود دارد و ممکن است اجتماع را به سوی انحطاط و نیستی سوق دهد، برطرف می کند.

۳-۵-۲-۲- نظارت مدبرانه‌ی دولت:

به استناد اصول ۵۷ و ۱۰۷ و ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه فقهای شیعه، ولی فقیه مسئولیت هدایت جامعه به سوی صلاح و رستگاری را برعهده دارد و در این خصوص از ولایت مطلقه برخوردار است. واضح است که مقام رهبری با استفاده از این اختیارات می‌تواند نقش مهمی در جهت ترویج معروفات و خصوصاً کاهش منکرات به ویژه منکرات حکومتی داشته باشد و از انحراف و فساد قوا جلوگیری نماید. بعضی فضائل و مفاسد موجود در هر جامعه، قبل از آنکه ناشی از اعمال و خصلت های فردی باشد، معلول شرایط و زمینه های اجتماعی آن جامعه است. بسیاری از افراد نیکو سرشت، قربانی محیط آلوده ای هستند که در آن زندگی می‌کنند و در معرض فساد و تباهی قرار می‌گیرند و به تبهکاری و ارتکاب منکر کشیده می‌شوند. به عبارت دیگر، برخی از منکرات و زشتکاری های فردی معلول نابسامانی های اجتماعی است. چاره کار در این زمینه، اتخاذ تدابیر لازم و عملی برای مبارزه با ریشه های فساد است. در این خصوص، اصل سوم قانون اساسی^{۱۹}، دولت را موظف به ایجاد محیط سالم برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی نموده است. بنابراین، برنامه ریزی و سیاستگذاری دولت باید به نحوی باشد که هدف مذکور را تأمین نماید به عنوان نمونه از سیاست هایی که منجر به ایجاد جامعه ی سالم می‌شود، می‌توان به توزیع عادلانه ی ثروت در جامعه، تأمین وسایل و امکانات کار، کمک مؤثر به جوانان در راه تشکیل خانواده، مبارزه با فساد اداری، بالا بردن سطح آگاهی های عمومی و ... اشاره کرد. اگر چه در راه نیل به این اهداف، خصوصاً در وضع و اجرای قوانین، مشکلاتی وجود دارد، اما دولت می‌تواند با استفاده از مدیران و متخصصین و افراد آگاه به امور و مسائل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، طرح های مناسبی را جهت پیاده کردن این میراث ارزشمند از طریق قوه مقننه به اجرا گذارد.

۳-۵-۲-۳- نظارت اجرایی:

با توجه به عمومیت نظارت همگانی بر تمام امور و شئون فردی و اجتماعی، دولت برای حفظ سلامت جامعه از راه های متعددی استفاده می‌کند. نظارت مستمر دولت برای آن است که کارها بر اساس قوانین انجام شود. برای موفقیت در این مسیر، دولت می‌تواند از طریق کنترل قیمت ها، نظارت بر عرضه صحیح مواد غذایی و جلوگیری از آلودگی محیط زیست، امنیت اقتصادی و بهداشتی جامعه را تأمین کند. اما مهمترین

نظارت اجرایی، نظارت از طریق نیروهای انتظامی است که با استقرار در سطح جامعه، رفتارهای اجتماعی را زیر نظر می‌گیرند و از اعمال خلاف اخلاق (قانون) و تجاهر به امور خلاف شرع جلوگیری می‌کنند.^{۲۰} لازم به ذکر است که جلوگیری از منکرات توسط نیروهای انتظامی، با حیثیت و اعتبار و شرف دیگران در ارتباط است، لذا باید دقت کافی در انتخاب این افراد صورت پذیرد که در حین انجام وظیفه مرتکب منکری نگردند. در غیر این صورت ضربات مهلکی بر پیکر جامعه وارد خواهد شد. بدیهی است که چنانچه مأموران دولتی در حین انجام وظیفه، به حقوق افراد تجاوز نمایند و آزادی مشروع و قانونی آنها را سلب کنند، مطابق قانون مشمول پیگرد قضایی و مستحق مجازات خواهند بود. ضمانت اجرای تخطی مأموران دولتی در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵^{۲۱} قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی^{۲۲} آمده است.

۳-۵-۳- نظارت شهروندان بر یکدیگر.

اصل هشتم قانون اساسی، ناظر بر حق بنیادی و الهی مردم نسبت به یکدیگر در امر و نهی به منظور برپایی جامعه سالم و دور از فساد و تباهی و ظلم است. بی‌شک داشتن جامعه ایی سالم و عاری از تظلمات فردی و اجتماعی ضرورت این نظارت را دوچندان می‌کند اما در جامعه اسلامی با وجود ولایت مطلقه فقیه، هرگاه امر به معروف و نهی از منکر مستلزم ضرب و شتم و بالاتر از آن باشد، اجرای این موضوع بر عهده حاکم قرار می‌گیرد. در واقع، مرتبه انکار قلبی و زبانی وظیفه همگانی است، اما مرتبه اقدام عملی با حکومت است. این مسئله در فقه نیز مورد توجه می‌باشد. مقام معظم رهبری در پاسخ به یک استفتاء می‌فرمایند: با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر به مرتکب شونده می‌باشد، یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند. بنابراین، بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اکتفا کند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسئله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند. به نظر میرسد که نظارت مردم بر مردم از موضوعات چالشی اصل هشتم باشد زیرا ترسیم ساختار و تشکیلاتی که بتواند این بخش را پوشش دهد دشوار و تعیین وظیفه اختیاری خواهد بود و نمی‌توان به آن ضمانت اجرا بخشید براین اساس نایب رئیس مجلس خبرگان در توجیه اصل هشتم قانون اساسی صرفاً به نظارت دولت بر همه مردم و مردم در رابطه با کارهای دولت اشاره می‌کند^{۲۳} براین اساس شهروندان می‌توانند از طریق لسانی و نوشتاری^{۲۴} نسبت به یکدیگر تذکر داده و از ورود به حریم خصوصی همدیگر و تجسس در امورات نیز جداً پرهیز

نمایند چه این که ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نسبت به این موضوع اقدام پیشگیرانه را به عمل آورده است^{۲۵}.

۴- قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر:

فعالیت ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر تا قبل از سال ۹۴ مستند به هیچ مصوبه قانونی به معنی خاص نبود. ستاد مذکور با استناد به ابلاغیه معاون اول وقت ریاست جمهوری، فعالیت و مصوبات خود را قانونی و لازم الاجراء می‌دانست و لذا مهمترین ایراد وارده به ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر از منظر حقوقی و فقدان جایگاه قانونی آن بود. حدود اختیارات و وظائف ریاست، دبیر کل، معاونتها و سایر قسمتهای ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر صرفاً به تصویب ریاست آن ستاد رسیده و فاقد پشتوانه قانونی بود. ایراد مذکور باعث شد تا وضعیت استخدامی کارکنان ستاد مذکور، نحوه پرداخت حقوق و مزایای آن و سایر وضعیت‌هایی که برای یک مستخدم دولتی بوجود می‌آید، مشخص نباشد. اکثر کارکنان آن ستاد، از سایر ادارات و نهادها به صورت مأمور به خدمت، مشغول انجام وظیفه بودند. از آنجا که برای ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر در تشکیلات اداری کشور جایگاهی تعریف نشده بود، لذا مأمور نمودن کارکنان سایر ادارات به آن محل ایراد قانونی داشت. از نظر بودجه و امور مالی، بنا به اعلام بعضی از کارشناسان ستاد یاد شده در بودجه سالانه ردیف بودجه خاصی به آن ستاد اختصاص داده نشده و ظاهراً ریاست جمهوری و سازمان تبلیغات اسلامی بودجه آن را تأمین می‌نمودند. صرف نظر از ایرادهای کلی مذکور، ترتیب اعضاء ستاد نیز فراگیر و در برگیرنده افرادی نبود که مصوبات آن، بتواند امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه ترویج داده و احیاء نماید. بدیهی است ستادی که قصد داشت این فریضه را حداقل در ادارات دولتی و نهادهای حکومتی احیاء نماید، بایستی فعالیتش مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی باشد.

اما در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲ اردیبهشت ۹۴ به تایید شورای نگهبان رسید و به ستاد امر به معروف و نهی از منکر جنبه قانونی بخشید.^{۲۶} این قانون ستاد امر به معروف را در سه سطح کشوری، استانی و شهرستانی پیش بینی کرد و وظایف خاصی را برایش تعیین نمود. اهمیت ویژه ای که ستاد امر به معروف و نهی از منکر دارد، سبب شد تا اعضای ستاد نتوانند افراد دیگری را به جای خود به جلسات بفرستند. اعضای ستاد

کشوری بر اساس ماده ۱۹ و اعضای ستاد استانی و شهرستانی بر اساس ماده ۲۰ تعیین می شوند. ریاست ستاد کشوری بر عهده ی یکی از ائمه جمعه موقت تهران، ریاست ستاد استانی بر عهده امام جمعه مرکز استان و ریاست ستاد شهرستان بر عهده امام جمعه آن شهرستان می باشد. علاوه بر مسئولین ادارات که عضو ستاد می باشند، هر ستاد دارای یک دبیر است که توسط رئیس ستاد انتخاب می شود و بر اساس قانون، عضو ستاد محسوب می گردد. جلسات ستاد با حضور اکثریت مطلق اعضا رسمی شده و آراء نیز با نظر اکثریت مطلق اعضای حاضر تصویب می شود. مصوبات ستاد توسط رئیس ستاد به مراجع ذی ربط جهت اجرا ابلاغ می گردد. در صورتی که مصوبات ستاد در حدود اختیارات آن باشد مبادی ذی ربط ملزم به اجرای این مصوبات هستند. دستگاه هایی که ملزم به اجرای مصوبات ستاد هستند باید حداقل هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد خود را در مورد چگونگی اجرای این مصوبات به ستاد ارسال دارند. ستاد نیز موظف است گزارش عملکرد سالیانه خود را در هفته احیای امر به معروف و نهی از منکر به کمیسیون فرهنگی مجلس ارائه نماید ضمن اینکه که نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر پدیده ای اجتماعی است و اجرای آن بستگی به شرایط بسیاری دارد مثلاً چنانچه به دلایلی در جامعه پدیده « بیکاری » وجود داشته باشد، به تبع آن فقر و به تبع آن جرائم و منکرات گسترش می یابد و برخورد انتظامی یا قضایی و یا حتی ارشادی نمی تواند همه آن مشکلات را مرتفع نماید. با عنایت به اینکه اجرای امر به معروف و نهی از منکر بخصوص مرحله سوم آن، (امر به معروف عملی) نیاز به مصوبه قانونی داشت، لذا با درخواست نیروی مقاومت بسیج، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی « طرح حمایت قضایی از بسیج » را به مجلس ارائه دادند که در جلسه ۱۳۷۱/۱۰/۱ با اصلاحاتی به تصویب مجلس رسید و در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۵ شورای نگهبان آن را تایید نمود و پس از ابلاغ ریاست جمهوری جهت اجرا، در مورخه ۱۳۷۱/۱۰/۲۸ در روزنامه رسمی قوه قضاییه به چاپ رسید. به موجب ماده (۱) قانون مذکور: «به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می شود همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرایم مشهود در صورت عدم حضور ضابطین دیگر و یا عدم اقدام به موقع آنها و یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند.» در تبصره (۱) ماده فوق الذکر چنین آمده است: «کلیه ضابطین دادگستری و مراجع نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفند در صورت ارجاع گزارش و یا تحویل متهمین در جرایم مشهود

از سوی مسئولین مجاز رده های نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، متهم را تحویل گرفته و گزارش بسیج را ضمیمه مدارک ارسالی به مرجع قضایی نماند». به موجب تبصره (۲) این ماده: «تعیین رده های مقاومت مذکور در تبصره ۱ به عهده فرماندهی نیروی مقاومت بسیج می باشد». این افراد می بایست آموزشهای لازم را طی و سپس از ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر مجوز مخصوص اخذ نمایند^{۲۷}. این ماده اساس فعالیت معاونت امر به معروف و نهی از منکر نیروی مقاومت بسیج بوده و به استناد همین قانون، معاونت مذکور بسیجیانی را که واجد شرایط لازم از جهت تحصیلی، سنی و نیز طی آموزشهای مربوطه باشند، انتخاب و پس از تعلیم آموزشهای لازمه قضایی و انتظامی^{۲۸} آنان را به گروه های ضابطین ویژه، فعال و ناصحین تقسیم نموده و بر اساس دستورالعملهای ابلاغی از سلسله مراتب، نامبرگان هنگام برخورد با جرائم مشهود اقدامات لازم را به عمل می آورند. مامورین دارای مجوز در حکم، مامورین دولتی بوده و هرگونه توهین و یا مقابله در مقابل اقدامات آنها جرم و وفق قانون با متخلفین برخورد خواهد شد^{۲۹}. همچنین قانون گذار به جهت حمایت قانونی از این طیف و به دلیل ارزش و اهمیت بالایی که انجام این فریضه مهم در فقه اسلامی مخصوصاً فقه شیعی دارد کشته شدگان این ماموریت را شهید و در صورت معلول و یا اسارت را جانباز و آزاده شناخته آنها و خانواده تحت تکفلشان را تحت پوشش بنیاد شهید قرار می دهد^{۳۰}. در برخورد با متهمین به ارتکاب جرائم مشهود، بدلیل آنکه معمولاً از قهر و جبر استفاده می شود و در بعضی از مواقع ممکن است حتی منجر به تیر اندازی به سوی دو طرف گردد و حوادثی روی دهد که نیاز به بررسی قضایی داشته باشد، به جهت حمایت حقوقی از بسیجیان که بدون دریافت هیچگونه مزد و پاداشی و صرفاً براساس انگیزه خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی، حاضر می شوند این مسئولیت خطیر را برعهده گیرند، مقنن مقررات حمایتی حقوقی پیش بینی نموده است که در صورت اینکه احدی از مامورین موضوع این قانون در هنگام انجام وظیفه نیار به حمایت قضایی داشته باشد بتواند از خدمات رایگان بهره مند گردد^{۳۱}. به موجب تبصره ماده ۴ این قانون کارشناسان حقوقی این دفتر بدون الزام به کسب پروانه وکالت از کانون وکلاء می توانند در کلیه مراحل دادرسی از طرف افراد مذکور، به عنوان وکیل اقدام کنند. با توجه به اینکه مقرر بود اجرای امر به معروف و نهی از منکر از سوی نیروی مقاومت بسیج، منجر به ایجاد فرهنگ عمومی امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه شود و این موضوع نیاز داشت تا نیروی مقاومت بسیج در تمامی ادارات و کارخانجات و اصناف، بدین امر همت گمارد، لذا مقنن افراد

و موسسات مذکور را موظف به همکاری با نیروی مقاومت بسیج نمود^{۳۲}. به دلیل اینکه پیش بینی تمامی جنبه های این قانون، در قانون میسر نبود و نیاز به آیین نامه اجرایی جهت ایجاد هماهنگی و همکاری میان نهادهای مختلف بود، در راستای اجرایی شدن ماده ۷ این قانون، آیین نامه اجرایی آن توسط ستاد مشترک سپاه و قوه قضاییه و وزارت کشور تهیه و در تاریخ ۱۳۷۲/۳/۳ به تصویب فرماندهی معظم کل قوا رسیده و در روزنامه رسمی شماره ۱۴۰۷۹ مورخه ۱۳۸۶/۴/۲۲ به چاپ رسیده است. در قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر مصوب ۹۴ نیز به قانون حمایت قضایی از بسیج توجه شده و آنرا عملاً در انجام این فریضه مهم به رسمیت شناخته و در برخی امور به آن ارجاع داده شده است^{۳۳}.



نتیجه‌گیری

نظارت همگانی در اصلاح امور جامعه نقش محوری و اصلی دارد و مفهومی از نظارت اجتماعی نیز گسترده‌تر است. با توجه به مطالب ذکر شده و با یادآوری این موضوع که هر عملی ولو خیلی زیبا و موقر تدوین و مکتوب گردد، ولی فاقد پشتوانه قانونی و حقوقی باشد قطعاً در اجراء با مشکلات عدیده ساختاری و اجرایی مواجه خواهد شد. موضوع نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر نیز مستثنی از این قاعده نیست. بنابراین تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر توسط مجلس شورای اسلامی اقدامی پسندیده و قابل ستایش محسوب می‌شود که می‌بایست بسیار زودتر از این انجام می‌شد. یکی از محاسن قانون مذکور قانونمند کردن اعمال آمران به معروف و ناهیان از منکر است که سبب می‌شود تا از رفتارهای سلیقه‌ای اجتناب شده و آنان محدوده رفتاری خویش را بدانند تا از پدیده‌های منفی آن در امان باشند. اما علی‌رغم تصریح قانون، نیاز است تا آمران به معروف و ناهیان از منکر با وظایف خود آشنایی پیدا کرده و بدین منظور ارائه‌ی آموزش‌های لازم به آنان ضروری است. فراهم کردن بسترهای مناسب برای تاسیس سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای امر به معروف و نهی از منکر و همچنین آموزش مجریان آن می‌تواند راهگشا باشد. با توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی در انجام فریضه امر به معروف، بهتر است آمران و ناهیان آموزش دیده و آگاه به مسایل روز و زمان به کارگیری شوند و با مدنظر قراردادن روش‌های نوین نظارتی، از وسایل و ابزار روز آمد استفاده گردد. با توجه به این که نیروی مقاومت بسیج علاوه بر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، از پوشش قانون حمایت قضایی از بسیج نیز برخوردار است بهتر است از پتانسیل‌های این نیروی مردمی در اجرای هر چه بیشتر این فریضه الهی بهره بیشتری برده شود.

یادداشت‌ها

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان استان کرمانشاه ۲۲ مهرماه ۱۳۹۰.
۲. سوره هود آیه ۱۲۳.
۳. سوره لقمان آیه ۱۷.
۴. سوره عنکبوت آیه ۴۵.
۵. ماده ۱ قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر مصوب ۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان استان کرمانشاه ۲۲ مهرماه ۱۳۹۰.
۷. در اصل هشتم قانون اساسی آمده است که: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به امر خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود کیفیت آن را قانون معین می‌کند.
۸. در جمهوری اسلامی ایران امورکشور باید به اتکا آرا عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. بنابراین انتخابات را میتوان به عنوان یکی از بدیهی ترین مکانیزم نظارت همگانی و اعمال خواست مردم محسوب نمود.
۹. مشروح مذاکرات خیرگان قانون اساسی، ج ۱، صص ۴۱۰.
۱۰. اصل هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، نظارت همگانی و وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند: والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض، یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.
۱۱. مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه احاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است.
۲۱. مدنی، سیدجلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، چ ۳ (تهران: بی جا، ۱۳۷۴) ص ۸۰.
۳۱. اصل بیست و ششم قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت
۴۱. اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی اشعار می‌دارد: رسیدگی به جرائم سیاسی و

مطبوعاتی، علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه ی انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند.

۵۱. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی (۲) بخش حقوق مردم (جزوه ی درسی دانشگاه شهید بهشتی)، ص ۲۳۲.

۶۱. اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

۷۱. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱ (تهران: دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۸)، ص ۸۰.

۸۱. هاشمی، همان، ص ۸۰.

۹۱. اصل سوم قانون اساسی اشعار می دارد: جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس میان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی. ۲ - بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه های با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر. ۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی. ۴ - تقویت روح بررسی و تنوع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان. ۵ - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب. ۶ - محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی. ۷ - تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون. ۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۹ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی. ۱۰ - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور. ۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور. ۱۲ - پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه. ۱۳ - تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها. ۱۴ - تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. ۱۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم. ۱۶ - تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

۰۲. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱ (تهران: دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۸) ص ۲۲۵.

۱۲. هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۲۲. در راستای جلوگیری از تضییع حقوق شهروندی قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ مورد تصویب قرار گرفت.

۳۲. مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی، ج ۱، صص ۴۱۰-۴۰۹، به نقل از: تیلا، پروانه، شهروند، ملت و دولت مسئول، (تهران: خرسندی ۱۳۸۹) ص ۶۰.

۴۲. ماده ۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است.

۵۲. ماده ۳ قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر اشعار می دارد: امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.

۶۲. ماده ۱۶ قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر مصوب ۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی.

۷۲. تبصره ۳ قانون حمایت قضایی از بسیج اشعار می دارد: نیروی مقاومت بسیج سپاه وظیفه فوق را از طریق افرادی که آموزشهای لازم را در این زمینه فرا گرفته و مجوز مخصوص را از نیروی مزبور دریافت نموده باشند اجراء خواهند کرد، نیروهای مذکور موظفند به هنگام برخورد با متهم مجوز مخصوص خود را در صورت مطالبه ارائه دهند.

۸۲. باتوجه به نیاز به نیاز هر کدام از گروههای مذکور و نیز سطح تحصیلات فراگیران، متون درسی متناسب تهیه دیده شده و به صورت حضوری تدریس میشود و در پایان از آنان آزمون به عمل آمده و در صورت کسب امتیاز قبولی و داشتن سایر شرایط لازمه موفق به دریافت مدرک ضابطیت قضایی بسیج می شوند.

۹۲. ماده ۲ قانون حمایت قضایی از بسیج مقرر می دارد: هرگونه توهین یا ایراد ضرب و شتم یا جرح به افراد موضوع قانون در حین انجام وظیفه محوله در حکم توهین و مقابله با ضابطین دادگستری و مأمورین دولتی و انتظامی بوده و با مرتکبین برابر مقررات کیفری مربوطه رفتار میشود.

۰۳. ماده ۳ قانون حمایت قضایی از بسیج مقرر می دارد: کلیه افراد موضوع این قانون چنانچه در حین انجام وظیفه یا به سبب آن کشته، فوت و یا معلول و یا گروگان گرفته شوند، حسب مورد شهید، جانباز و آزاده شناخته شده و تحت پوشش بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و ستاد امور آزادگان قرار می گیرند..

۱۳. ماده ۴ قانون حمایت قضایی از بسیج مقرر می دارد: به نیروی مقاومت بسیج اجازه داده میشود به منظور حمایت از افراد موضوع این قانون دفتر حمایت و خدمات حقوقی و قضایی بسیجیان را در نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ارتباط با اجراء این قانون تأسیس نماید.

۲۳. ماده ۵ قانون حمایت قضایی از بسیج مقرر می دارد: نیروی مقاومت بسیج موظف است نسبت به جذب آحاد مردم از تمامی اقشار و صنوف و ایجاد رده های مقاومت در مساجد، ادارات، کارخانجات و مراکز آموزشی اقدام نمایند و کلیه مسئولین ادارات و نهاد ها و کارخانجات، امور مساجد و مراکز آموزشی موظف به همکاری و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات لازم موضوع این قانون می باشند.

۳۳. تبصره ماده ۱۱ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر اشعار می دارد: آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت های قضائی موضوع ماده (۴) قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱،۱۰،۱ مجلس شورای اسلامی می گردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اردبیلی، مولی‌احمد (مقدس اردبیلی) (۱۳۸۳)، *مجمع الفائدة و البرهان*، قم: دفتر نشر اسلامی، ج ۷.
- اصغری جیره‌نده، ابوطالب؛ میرزا نژاد جیره‌نده، فاطمه (۱۳۹۰)، *حقوق شهروندی و سازوکارهای تضمین آن در نظم حقوقی کنونی*، رشت: حرف نو.
- ایازی، محمدهادی (۱۳۸۷)، «نظارت همگانی کمترین هزینه، بیشترین بازدهی»، *نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی* (مجموعه مقالات)، تهران: شهرداری تهران.
- بسیج، احمدرضا (بی‌تا)، «آسیب‌شناسی عدم اجرای اصل هشتم قانون اساسی»، *سامانه نشریات خانه معرفت*، ش ۱۳۱. <http://marifat.nashriyat.ir>
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان استان کرمانشاه ۲۲ مهرماه ۱۳۹۰.
- تیلا، پروانه (۱۳۸۹)، *شهروندی، ملت و دولت مسئول*، تهران: خرسندی.
- حلبی، ابی‌الصلاح (۱۳۸۷)، *الکافی*، قم: بوستان کتاب.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، *المکاسب المحرمه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱.
- خورشیدی، غلامحسین، محمدهادی (۱۳۸۷)، «نظارت همگانی و فساد اداری»، *نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی* (مجموعه مقالات)، تهران: شهرداری تهران.
- راسخ، محمد (۱۳۹۰)، *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی*، تهران: دراک، ج ۱.
- راغب اصفهانی (۱۳۷۵)، *المفردات*، ترجمه و تحقیق سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ج ۲.

- راغب اصفهانی (۱۴۱۶)، *المفردات الفاظ قرآن*، دمشق: دارالقلم، ذیل ماده امر.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن‌علی (۱۳۸۵)، *تحریرالروضه فی شرح اللمعه*، فقه استدلالی، ترجمه سید مهدی دادمرزی، قم: کتاب طه.
- صفری، قدرت (مهر ۸۹)، «نظارت همگانی از منظر دین»، ص ۷. www.bums.ac.ir.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، *تجرید الاعتقاد*، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴).
- طوسی، نظام الملک (۱۳۶۴)، *سیر الملوک* (سیاست نامه)، به کوشش جعفر شعار، تهران، چ ۳.

- عابدی، محمد (۱۳۷۷)، *پیکار با منکر در سیره ابرار*، قم: معروف.

- علم‌الهدی، سید مرتضی (۱۳۷۰)، *الذخیره فی علم الکلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قریشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، ش، ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱.
- کریمیان، منصور، *پرتوی از کلام (حضرت) محمد* (برگزیده موضوعی نهج‌الفصاحه)، چ ۱، تهران: اشرفی (۱۳۷۹).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۰)، «حقوق اساسی (۲) جزوه درسی»، قم: مجتمع آموزشی عالی.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، چ ۲، قم: مجتمع آموزشی عالی.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی